

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی رمان "آواز کشتگان"

دکتر برات محمدی،^۱ کبری پالیزبان^۲

چکیده

رمان آواز کشتگان با ساختاری آشفته، بیان‌گر وقایع دانشگاه تهران، نحوه تعامل یا تعارض استادان با دانشجویان روشنفکر و همچنین عملکرد مأموران ساواک در مسائل مختلف فرهنگی، عقیدتی و سیاسی دانشگاه در دوران قبل از انقلاب اسلامی است. این رمان را می‌توان از نوع رمان‌های تاریخی به حساب آورد؛ زیرا براهنی در خلق این رمان، علاوه بر توصیف موقعیت‌های شغلی، مقامی، خلقی و روانی شخصیت‌ها، به صورت جسته و گریخته به پاره‌ای از حوادث تاریخی قبل از انقلاب پرداخته است. خوش پرداختی تیپ‌های شخصیتی، استیلای عنصر جدال بر فضای کلی رمان، تلفیقی بودن شیوه روایت (دانای کل و من روایتی)، بهره‌گیری از شیوه رجعت به گذشته، لحن طنزآمیز و طعنه‌گونه رمان، ناشاد و بحرانی بودن فضای کلی آن و... ارزش هنری این اثر را اعتلا بخشیده است. در این مقاله سعی بر این است که ساختار زبانی و کلامی و محتوایی رمان مورد بررسی قرار گرفته و عناصر داستانی و چند و چون آن‌ها مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رضا براهنی، آواز کشتگان، تحلیل ساختاری، تحلیل محتوایی، بعد جامعه‌شناسی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

تاریخ وصول: ۹۱/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۰۱

مقدمه

داستان‌نویسی انقلاب اسلامی، نوزاد آزادی و استقلال است؛ با آزادی تولّد یافته و با آزادی در جامعه ایران رشد و گسترش پیدا کرده است. در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی تحولاتی بنیادی در این گونه ادبی صورت گرفته است، به طوری که رمان‌های این دوره توانستند یک واقعه تاریخی بزرگ را با تمام آثار، عوامل و تحولات آن در خود بگنجانند. در حقیقت رمان انقلاب روایت منشور خلاقانه‌ای است که در آن حضور شخصیت‌ها در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌های ناب انقلاب، به تصویر کشیده شده و درون‌مایه آن، آمیزه‌ای از تجربیات انسانی، همراه با تخیل است.

رمان آواز کشتگان نوشته رضا براهنی، یکی از بهترین رمان‌های این دوره محسوب می‌شود که نویسنده به پاره‌ای از حوادث مهم دوران انقلاب در دانشگاه تهران پرداخته و مفاهیمی نظیر زندان، تبعید، شهادت، خفقان و سانسور را به عنوان اصلی‌ترین خطوط آن به کار گرفته است.

در این نوشتار سعی بر آن است که ساختار و محتوای این اثر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. می‌توان گفت مزایا و محدودیت‌های تحلیل ساختاری در رویکرد آن به ادبیات روایی روشن‌تر از هر جنبه نقد ادبی قابل درک است؛ زیرا عرصه روایت از یک طرف به اسطوره و از طرف دیگر به رمان مدرن می‌رسد و ضمن آن که برخی ویژگی‌های ساختاری نظیر شخصیت و شخصیت‌پردازی، لحن، فضا، گره‌افکنی، راوی، بن‌مایه، پی‌رنگ، کنش، گره‌گشایی و... را حفظ می‌کند، عرصه‌ای بسیار عالی برای بررسی‌های محتوایی و به خصوص بعد جامعه‌شناسی آن می‌باشد.

تحلیل محتوایی که به کشف محتوای پنهان یک اثر از ورای گفته‌ها، تفسیرها، نمادها و... می‌پردازد؛ بستری مناسب برای بعد جامعه‌شناسی رمان به شمار می‌رود. بحث ارتباط رمان و جامعه از بدو تولّد این گونه ادبی، همواره مورد توجه نویسندگان

این عرصه بوده است. از آن جا که شخصیت‌های رمان با افراد اجتماع ارتباط مستقیمی دارند و واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی نیز پیکره رمان را تشکیل می‌دهند، می‌توان رمان را نماینده جامعه دانست. از این رو این نوع ادبی با موضوع‌ها و مقوله‌های مختلف در شرایط اجتماعی خاصی پا به عرصه وجود گذاشته است.

آواز کشتگان

آواز کشتگانِ رضا براهنی، در سال ۱۳۶۲ ه.ش، به چاپ رسید. دست‌نویس اوّل این رمان در زمستان ۱۳۵۳ و بهار ۱۳۵۴ ه.ش و دست‌نویس دوم آن در زمستان ۱۳۵۴ ه.ش، آماده شد. رمان آواز کشتگان، بیان‌گر وقایع دانشگاه تهران و مخالفت یا هم‌سوئی استادان با دانشجویان و واکنش مأموران ساواک و همچنین اوضاع بحرانی زندانیان سیاسی دوران انقلاب است. نویسنده تمامی شخصیت‌های داستانی را خیالی دانسته است و وجود هر گونه شباهت احتمالی میان آن‌ها با آدم‌های واقعی را تصادفی قلمداد کرده است. این رمان را می‌توان از نوع رمان‌های کلیددار و مضمون‌گریز به حساب آورد. به طوری که موقعیت شغلی، مقامی و ویژگی‌های خلقی و روانی شخصیت‌ها به خوبی در آن بازتاب یافته است.

خلاصه رمان

دکتر محمود شریفی، نویسنده و استاد دانشگاه تهران است. او اوّلین بار به جرم برانگیختن جوانان علیه رژیم پهلوی، توسط آثار افشاگرانه خود؛ دستگیر و به مدت یک سال زندانی می‌شود. دکتر شریفی پس از آزادی از زندان، دیگر اجازه تدریس در کلاس‌های درس را نمی‌یابد و در زیرزمین دانشگاه سرپرست مخزن کتابخانه دانشگاه می‌شود. او در مخزن کتابخانه به نوشتن قصه جدید درباره حمله گرگ‌ها به تبریز می‌اندیشد.

الف) تحلیل ساختار (قالب) رمان

رمان آواز کشتگان، دارای ساختاری آشفته است. این آشفتگی‌های ساختاری، بیشتر ناشی از توصیف‌های کلیشه‌ای و تکراری است. اما می‌توان گفت، هدف براهنی از این توصیف‌های تکراری، ترسیم جامعه آرمانی و پشت پا زدن به ضد ارزش‌ها است. در حقیقت، توصیف‌های دقیق نویسنده از رویدادهای مختلف رمان چه در فضای دانشگاه تهران و چه خارج از محیط دانشگاه؛ بافت کلی داستان را شکل می‌دهند.

برای مثال: «زن انگلیسی این را گفت و شروع به خاراندن جای خالی جوشی که ده سال است دارد و من همیشه دلم خواسته که سیگارم را درست روی آن جوش خاموش کنم، کرد که نمی‌دانم انتقام شخصی است یا قصه مبارزه با استعمار را دارم...» (براهنی، ۱۳۸۱: ۱۲).

یا زمانی که مأمورهای سازمان می‌آیند و تصمیم می‌گیرند محمود را با خود ببرند؛ نویسنده برای یک بازداشت معمولی بسیار توصیف‌های کلیشه‌ای و گسترده و طولانی‌به کار می‌برد و تا آنجا که ماجرای جزئی بالغ بر شش صفحه کتاب را به خود اختصاص می‌دهد:

«محمود بلند شد می‌دانست که آمده‌اند تا ببرندش مرد قد کوتاه شروع کرد به جویدن سبیل نامرتبش و همراهش که یغور بود، پایش را گذاشت روی صندلی کنار میز و کتش را کنار زد تا محمود طپانچه را ببیند و محمود طپانچه را دید و گذاشت مرد یغور ببیند که او طپانچه را دیده است. دو نفر دیگر بی صدا محمود را نگاه می‌کردند...» (همان، ۲۶۱).

رمان از لحاظ ساختار دستوری، ساختار زبانی، ساختار کلامی، سبک و نثر و عناصر داستانی، اگر چه متحمل لطمه‌های ناشی از مفصل‌گویی است؛ اما فاقد

پیچیدگی‌های ملال‌آور است و این امر ارزش هنری آن را اعتلا بخشیده است.

الف-۱) ساختار دستوری

آواز کشتگان رمانی است که شیوهٔ جمله‌بندی آن، بسیار مستحکم و اغلب دستورمند است. به این معنا که بیشتر جمله‌های آن دارای نظم طبیعی و همسو با دستور زبان فارسی هستند، اما گاهی به علت سبک خاص نویسنده‌ی رضا براهنی شاهد جابه‌جایی‌های جزئی و حذف‌هایی سطحی در ارکان جمله‌ها هستیم. به طور کلی ویژگی‌های بارز دستوری این رمان عبارتند از:

الف-۱-۱) جابجایی ارکان جمله

یکی از ویژگی‌های دستوری که در رمان آواز کشتگان به چشم می‌خورد، جابه‌جایی ارکان جمله است. که این ویژگی نسبت به سایر مشخصه‌های دستوری این رمان از بسامد بالاتری برخوردار است. مثال زیر بیان‌گر این جابه‌جایی‌ها در ارکان جمله‌ها می‌باشند:

«و سه مرد دیگر اوّل رفته بودند سراغ کتاب‌ها و کاغذها» (همان: ۱۳).

در این نمونه‌ها فعل بر متمم جمله مقدم شده است.

الف-۱-۲) فعل پیشوندی

به کارگیری فعل‌های پیشوندی نیز یکی از مشخصه‌های دستوری رمان آواز کشتگان است. از نمونه‌های بارز استفاده از این نوع فعل‌ها می‌توان مثال زیر را ذکر کرد: «کوشیده بود، خبرنگار را از سرش وا کند ولی خبرنگار دست بردار نبود...» (همان:

الف-۱-۳) اتصال ضمیر مفعولی به فعل

در برخی جملات رمان نویسندگان ضمایر پیوسته را در نقش مفعول به کار می‌برد که این امر بیشتر در گفتار رایج است تا در نوشتار. به نوعی می‌توان این امر را تسلط زبان گفتار بر سبک زبانی نویسندگان دانست که تا حدی باعث عدم استحکام جمله‌ها شده است. برای نمونه:

«به یاد می‌آورد روزی را که قرار بود از قصر آزاد شود. صبح زود، بیدار که شده بود، خواسته بودندش و بعد چشم بندش زده، سوار ماشین کرده بودند و پس از مدتی از ماشین پیاده‌اش کرده، از پله‌های مختلف بالا برده بودندش و بعد وارد اتاقی کرده بودندش...» (همان: ۱۷).

الف-۲) ساختار زبانی

زبان آواز کشتگان، زبانی پیراسته نیست بلکه دارای خصلتی گزارشی است. در حقیقت جمله‌ها و پاراگراف‌های طولانی، پرگویی و توصیف‌های تکراری، زبان رمان را به سمت کلیشه‌ای شدن کشانده است. نمونه زیر بیانگر تکراری و کلیشه‌ای بودن زبان رمان است:

رئیس گفت: «کابل دواى جهل است. همه اوّل نمى دانند، صغیر هستند، معصوم هستند. انگار همین حالا از مادر متولد شده‌اند. ولی به آدم بی‌سواد کابل بزنی، شروع می‌کند به خواندن مرزبان‌نامه. این حرف‌های استاد زندی‌پور است. می‌فرماید: کابل را بزنی و بعد گوش کن! طرف حتی زنش را هم لو می‌دهد. اوّل کمی مرزبان‌نامه می‌خواند و بعد لو می‌دهد، پدرش را لو می‌دهد، مادرش را لو می‌دهد، بچه‌هایش را لو می‌دهد، معشوقه‌اش را لو می‌دهد، زنش را لو می‌دهد. خلاصه ظاهر و باطنش یکی می‌شود. از فرمایشات استاد زندی‌پور است» (همان: ۳۷۹).

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۰۱

هم‌چنین واژه‌ها و اصطلاح‌های مختلفی در این زمان به چشم می‌خورند که تا حدّی در شکل‌گیری ساختار زبانی آن دخیل هستند. از مهم‌ترین این واژه‌ها و اصطلاح‌ها می‌توان مورد زیر را نام برد:

الف-۲-۱) واژه‌ها و اصطلاح‌های خاص

رمان آواز کشتگان، اگرچه دارای زبانی روان و منسجم است؛ اما گاهی واژه‌ها و اصطلاح‌هایی در آن به کار برده شده است که خوانندگان معمولی معنای روشنی را از آن‌ها در نمی‌یابند. برای نمونه می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

«به محض این که فریاد تا این درجه شدّت می‌یافت، سلول دست‌چپی شروع کرد به

مُرس زدن...» (همان: ۳۳۰).

"مُرس زدن" یکی از اصطلاح‌های خاصّ زندان است و واژه مُرس نام اختراع‌کننده الفبای مخصوص است. زندانیان برای ابراز همدردی و یا تبادل اطلاعات در زندان از الفبای مخصوصی استفاده می‌کنند؛ این‌گونه که با ترسیم جدول‌های مختلف و نوشتن حروف الفبا در آن‌ها و با کوبیدن ضربه دست یا پا تا حدودی، دانسته‌ها و یا احساسات خود را به اطلاع هم‌بندی‌های خود می‌رسانند (همان: ۳۲۶).

واژه‌هایی نظیر "سمپاتی" به معنای همدردی، "چاییدن" به معنی سرما خوردن، "انفارکتوس" به معنی سکته و... در برخی از جمله‌های رمان ابهام معنایی ایجاد کرده است.

الف-۲-۲) واژه‌ها و اصطلاح‌های غیرفارسی

یکی دیگر از ویژگی‌های ساختار زبانی این رمان، استفاده از واژه‌ها و اصطلاح‌های غیر فارسی است. نویسنده از دوزبان انگلیسی و ترکی استفاده کرده است که گاهی یک واژه و گاه یک یا چند جمله از آن زبان‌ها در رمان نمود پیدا کرده است. به طوری که اگر

۲۰۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیدریبی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

خواننده به زبان انگلیسی و ترکی آشنا نباشد در خوانش و درک برخی واژه‌ها و جملات به مشکل برمی‌خورد برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

"something that produces cancer" که نویسنده در پاورقی آن را به معنی «چیزی که مولد سرطان است» ترجمه کرده است (همان: ۱۲).

«قره، قاناتلاری آغ، ایاقیندادا آغ، دورت توک هراییاقیندا آغ، یئندی توک هر قاناتیندا آغ» (همان: ۱۰۸).

در این مثال نیز نویسنده که خود آذری زبان است، جمله را به این صورت ترجمه نموده است: «سیاه بال‌هاش سفید، پاهاش هم سفید، چهار مو در پایش سفید، هفت مو در هر بالش سفید» (همان).

الف-۲-۳) اصطلاح و ضرب‌المثل‌های عامیانه

براهنی در نگارش این رمان از واژه و اصطلاح‌های عامیانه بسیاری استفاده نموده است. می‌توان گفت بسامد این واژه‌ها نسبت به واژه‌های خاص و واژه‌های غیر فارسی که در رمان به کار رفته‌اند بسیار بالاتر است. شاید در نگاه اول چنین به نظر برسد که در اکثر رمان‌های فارسی این شیوه متداول است و به نوعی از مصالح رمان محسوب می‌شود اما وقتی این‌ها را در کنار سایر عوامل زبانی در نظر بگیریم به نوعی به یک تنوع در ساختار زبانی می‌رسیم که نویسنده با استفاده از اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌ها و تشبیهات عامیانه زبان خود را به زبان گفتار و محاوره‌ای نزدیک ساخته و از تکلف‌های فاضلانه و ادیبانه دور می‌سازد. برای نمونه:

«آمریکایی دیگر داشت با کتاب‌های فارسی ور می‌رفت، انگار دکتر عرب می‌دانست که اگر طرف محمود برگردد، محمود با او سلام و علیک نخواهد کرد» (همان: ۱۳۶).

هم‌چنین چپاندن، فوری و فوتی، کجکی، ورجه و ورجه و... از دیگر واژه‌های

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۰۳

عامیانه در این رمان محسوب می‌شوند؛ اما نویسنده تنها به آوردن این واژه‌ها و اصطلاح‌های عامیانه اکتفا نمی‌کند و ضرب‌المثل‌های مختلفی را در خلال گفت‌وگوهای شخصیت‌های مختلف داستانی می‌آورد:

«کسی برای عقاید من تره خرد نمی‌کند...» (همان: ۶۲) یا «ناگهان وقت سرخاراندن هم ندارد، کک توی تنبانش افتاده...» (همان: ۲۶).

نویسنده در این رمان، هنگامی که از زندان و شکنجه و اوضاع بحرانی دانشگاه تهران سخن می‌گوید، دارای زبانی منسجم است؛ اما هنگامی که به توصیف صحنه‌ها یا تیپ‌های مختلف شخصیتی می‌پردازد، دچار نوعی گرفتگی زبان می‌شود. در مثال‌های زیر، گرفتگی‌های زبانی نویسنده به خوبی مشهود است:

«نخست وزیر مثل خرس کچل خیمه شب‌بازی، عصا به دست، می‌ایستاد...» (همان: ۱۳۰).

در این نمونه نویسنده برای توصیف یک صحنه، تشبیهی را آورده است که نه تنها به خواننده، جهت درک صحنه ترسیم شده کمکی نمی‌رساند بلکه باعث ترسیم تصویر مبهم دیگری در ذهن می‌شود و برای لحظاتی او را به تأمل در تصویری بی‌اساس وا می‌دارد.

الف-۳) ساختار کلامی

ترکیب اجزای کلام در رمان آواز کشتگان آن گونه نیست که باعث ایجاد تعقیدات لفظی و معنوی شود. به عبارت دیگر در سراسر رمان ساخت و ترکیب عبارت‌ها و جمله‌ها به گونه‌ای است که هر کدام از اجزای آن‌ها در جای مخصوص خود قرار گرفته‌اند و صرف‌نظر از آشفتگی‌های زبانی، در رمان ابهام معنایی حاصل از تعقیدات لفظی و معنوی چندان مشهود نیست.

بنابراین، ابتذال کلامی حاصل از توصیف‌ها، صحنه‌پردازی‌ها و حتی

۲۰۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

چهره‌پردازی‌ها، از ارزش هنری اثر کاسته است. در حقیقت این روایت‌های غیراخلاقی نه تنها باعث اطالۀ کلام شده است، بلکه گاهی نویسنده را از بیان مقاصد اصلی بازداشته است. اما این ابتدال کلامی گاهی در توصیف رشادت‌های شخصیت‌ها رنگ می‌بازد و کلام نویسنده آن چنان فاخر می‌شود که خواننده، روایت‌های غیر اخلاقی را به دست فراموشی می‌سپارد. توصیف از خود گذشتگی اکبر صداقت نمونه بارز این کلام فاخر است:

«... مرگ او یک هنر بود و وقتی که هنر اصابت و عظمت داشته باشد، عبور زمان، تغییر مکان، سقوط حکومت‌ها، پیدایش و نابودی مکتب‌ها و مشرب‌های مختلف و افول و ظهور طبقات اجتماعی نمی‌تواند در معنا و بزرگی آن دخالت کند. اکبر صداقت شتاب داشت. بی‌خود نبود که شب دررفته بود. دستی او را از خواب پرانده بود... و بعد همان دست به او گفته بود که ببرد بالای میله‌ها و آن وقت صرع مسلسل و صرع تن او میله‌ها را ذوب کرده بودند و آنگاه جنازه پیرهن سفید و سراپا خونین از بالا سر مردم آویزان شده بود و ظلمت، بی‌رنگی... را با سلاست، روانی، با سیلان ناب و زیبایی خود رسوا کرده بود» (همان: ۲۳۹-۲۴۰).

ب) سبک نثر

نثر آواز کشتگان، نثری یک دست نیست. به این معنا که گاهی نویسنده در رمان، توصیف‌هایی را به کار می‌برد که روانی و پختگی را از نثر آن سلب می‌کنند. در واقع آوازکشتگان در توصیف صحنه‌های انقلابی، دارای نثری استوار و گیرا است؛ اما هنگامی که صحنه‌های خانوادگی و مسائل روزمره مطرح می‌شود؛ نثر رمان از آن حالت استواری و گیرایی خارج می‌شود و حالتی سست، بی‌قید و بند و نارسا به خود می‌گیرد. از این رو می‌توان این گونه نثر را «یکی از معضله‌های عمومی براهنی در آثارش» (سرشار، ۱۳۷۷: ۱۳۵) دانست. برای مثال:

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۰۵

«صدای دکتر خرسندی را شنید که داشت عذر می‌خواست که این موقع شب مزاحم شده، ولی اگر کاری فوری نداشت و احساس نمی‌کرد که ممکن است اگر نمی‌آمد، دیر نمی‌شد، اصلاً نمی‌آمد و می‌گذشت برای فردا...» (همان: ۹۷).

ب-۱) کوتاهی جمله‌ها

یکی از ویژگی‌های بارز سبکی که در سراسر این رمان به کار برده شده است؛ کوتاهی جمله‌های آن است. برای مثال می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

«من خبر ندارم، باید از برادرم بپرسید. من کار سیاسی نکردم، نمی‌کنم، نخواهم کرد! شما مرا به قصد کشت زدید، باز هم بزنید...» (همان: ۳۷۵).

ب-۲) عدم استفاده از یای میانجی

یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی رمان آواز شکستگان عدم استفاده از یای میانجی در کلمه‌هایی که مختوم به «الف» هستند و جمع بسته شده‌اند. نمونه‌زیر بیان‌گر این مختصّه در رمان است:

«از خلال صحبت‌هاشان فهمیده بود که مقاله در یک روزنامه خارجی چاپ شده، یا در یک رادیوی خارجی خوانده شده و این جرم مهمی به حساب می‌آید» (همان: ۱۶).

پ) عناصر داستانی

پ-۱) زاویه دید (راوی)

زاویه دید یا زاویه روایت «نمایش دهنده شیوه‌ای است که نویسنده با آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می‌کند و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۸۵). شیوه روایت این رمان، تلفیقی از سوم شخص (دانای کل) و اوّل شخص یا (من روایتی) می‌باشد. به این معنا که گاهی شخصی غیر از

۲۰۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

شخصیت‌های محوری داستان، وقایع را یکی پس از دیگری بازگو می‌کند و گاهی نیز، داستان به موازات قهرمان داستان، محمود، پیش می‌رود؛ بدون آن که شاهد روایت داستان از زبان او باشیم.

در حقیقت، حوادث از زاویه دید محمود مرور می‌شوند و خواننده در خلال بازآفرینی زندگی این شخصیت، در جریان حادثه قرار می‌گیرد؛ اما در ظاهر هیچ اثری از شیوه روایت توسط اوّل شخص (من روایتی) نیست. این امر ارزش هنری اثر را بسیار اعتلا می‌بخشد و هنر نویسندگی براهنی را بارزتر نشان می‌دهد. از این‌رو خواننده هیچ‌گاه در جست و جوی راوی داستان نیست؛ زیرا از همان سطرهای نخست به سوم شخص بودن راوی داستان پی‌برد و به تدریج در خلال داستان، نگاه و برداشت محمود از صحنه‌های مختلف را حس می‌کند.

پ-۲) شخصیت‌پردازی

بنیاد اغلب رمان‌های موفق و معتبر بر شخصیت‌پردازی آن‌ها گذاشته شده و شخصیت‌های آن‌هاست که به رمان ارزش و اعتبار می‌بخشد. در واقع حوادث به طور منطقی از تقابل خلیات و طبایع آدم‌های داستان بوجود می‌آید (همان: ۱۶)

شخصیت‌های این رمان، پرداختی مناسب دارند. در واقع تیپ‌های شخصیتی داستان هر کدام با عملکرد خاص خود، واقعی به نظر می‌رسند. در این رمان خواننده هم با شخصیت‌پردازی مستقیم که مبتنی بر توصیف و گفتار ویژگی‌های شخصیت‌هاست روبرو می‌شود و هم با شخصیت‌پردازی غیر مستقیم که در آنجا راوی سعی می‌کند به جای گفتن، نشان دهد و در این روش کنش‌های شخصیت‌ها، که معرّف خود آن‌هاست، مبین شخصیت‌هاست. شخصیت‌های رمان گاه از زبان راوی و گاهی در خلال گفت‌وگوهای سایر شخصیت‌ها، معرّفی می‌شوند. این شخصیت‌ها به طور یکسان پرداخت نشده‌اند؛ به این معنا که انگیزه‌ها، احساسات و عملکرد شخصیت‌هایی که در

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۰۷

حاشیه هستند، بیش از حد شرح و بسط داده شده است؛ در حالی که احساسات و زمینه‌های فکری قهرمانان داستان مبهم است.

پ-۳) شخصیت‌های رمان

«مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است» (یونسی، ۱۳۸۱: ۳۳). شخصیت‌های داستان به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند:

پ-۳-۱) شخصیت‌های اصلی

شخصیت‌های اصلی که در حقیقت با اعمال و افکار خود، داستان را پیش می‌برند و رمان بیشتر به خاطر انعکاس اندیشه‌های آن‌ها شکل گرفته است؛ عبارتند از:

دکتر محمود شریفی، وی، استاد دانشگاه تهران و اهل تبریز است و در برخی مواقع با پدر و برادرش در کارخانه چای کار می‌کند. او نویسنده‌ای است که در آثارش از خفقان و شرایط بحرانی آن دوران سخن می‌گوید و به این دلیل که نوشته‌های او از نظر نظام حاکم، علیه مصالح مملکت است؛ زندانی و شکنجه می‌شود.

اگرچه تصویری که براهنی از شخصیت محمود ترسیم می‌کند، زنده و جان دار است؛ اما توصیف شخصیت محمود بیشتر از زبان سایر شخصیت‌ها و کلی‌گویی‌ها صورت گرفته است. محور اصلی اندیشه این شخصیت اصلی، به خوبی بیان نشده است. این قهرمان را می‌توان یکی از مبارزان پنهانی به حساب آورد. او برای آزادی زندانیان سیاسی، زندگی خود، همسر و دخترش را به خطر می‌اندازد و همواره در پاسخ‌گویی به بازجویی‌ها، سریع، خون سرد و بدون واگمه عمل می‌کند؛ اما در ورای این خون سردی‌ها، همواره غوغای بزرگی از زمان‌ها، مکان‌ها، و آدم‌ها در درونش پیاست.

اکبر صداقت، وی، از روشنفکران مبارز و رهبر دانشجویان در دانشگاه تهران است.

۲۰۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

او طی حمله‌ای که مأمورهای ساواک به خوابگاه دانشجویان می‌کنند به منزل محمود شریفی پناه می‌آورد و اسامی زندانیان سیاسی دانشگاه تهران را به محمود می‌سپارد تا به هر طریقی که ممکن است آن را به دست مجامع بین‌المللی برساند. این قهرمان داستان مبتلا به بیماری صرع است. در منزل محمود دچار تشنج می‌شود و اوضاع ناخوش او محمود را به گریه می‌اندازد.

دکتر خرسندی، وی، یکی از استادان بذله‌گوی دانشگاه و از دوستان نزدیک دکتر محمود شریفی است. دکتر خرسندی در نهایت تصمیم می‌گیرد که به خارج از کشور برود و لیست زندانیان سیاسی دانشگاه تهران را به مجامع بین‌الملل برساند. او با حمایت از محمود، خشم و انزجار خود را از دکتر قاصد، رئیس دانشگاه، اعلام می‌دارد. او کارکردن در محیط دانشگاه تهران را در شأن خود نمی‌داند و چند روز پس از برگزاری کنگره، در استانبول با محمود تماس می‌گیرد و خروج موفقیت‌آمیز خود را به او اطلاع می‌دهد.

پ-۳-۲) شخصیت‌های فرعی

شخصیت‌های فرعی رمان آواز کشتگان، که برخی از آن‌ها در حاشیه قرار دارند عبارتند از:

مشهدی قربان، وی، پدر محمود، یکی از کارگران کارخانه چای تبریز است و در بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ و هم‌چنین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، رهبری گروهی از مردم را به عهده می‌گیرد. مشهدی قربان پس از مرگ پسر بزرگش، سلیمان، ماه‌ها به منزل نمی‌رود. او در نهایت به بیماری مهلک سرطان مبتلا می‌شود و در بیمارستان جان می‌بازد.

ایشیق: یکی از مبارزان سیاسی رمان می‌باشد که در بیمارستان ارتش، با محمود در یک اتاق بستری است. او برای فرار از روبه‌رو شدن مجدد با مأمورهای ساواک، خود را

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۰۹

از پنجره اتاق به بیرون پرتاب می‌کند؛ اما از این خودکشی جان سالم به در می‌برد و دوباره به زندان بازگردانده می‌شود. ایشیق پس از مدت‌ها بازجویی، سرانجام تیرباران می‌شود. «ایشیق که از علیرضا نابدل چریک مبارز گرت‌برداری شده، در رمان به یکی از ابعاد شخصیت خود، شاعری ترک، کاهش یافته تا ملی‌گرایی قومی را ارضاکند» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

اسماعیلی: اسماعیلی یکی دیگر شخصیت‌های فرعی داستان است که منزلش در نزدیکی یکی از زندان‌های رژیم است. او دچار نوعی بیماری روحی و روانی است. او عکس‌ها و نوارهای بسیاری را در مورد زندانیان سیاسی و مأمورهای ساواک در متکاهای منزلش مخفی کرده است و سرانجام آن‌ها را به محمود تحویل می‌دهد.

دکتر قاصد: رئیس دانشکده ادبیات تهران در آن دوران است. او دشمن سرسخت محمود است و برای مخدوش کردن چهره و هم‌چنین گرفتار کردن او در دام مأمورهای ساواک به هر عمل پلیدی دست می‌زند. او از فعالیت‌های سیاسی و ضد حکومتی محمود آگاه است.

پرنیان: پرنیان، رئیس اداره حفاظت دانشگاه تهران است. او در توطئه‌هایی که دکتر قاصد و اطرافیانش برای محمود می‌چینند، نقش مهمی دارد. محمود او را شبیه جن‌گیری می‌داند که بسیار زشت منظر بوده و برای به دست آوردن ماهنی و بیرون کشیدن جن از کالبد او درصدد فریب دادن پدر ماهنی می‌باشد.

پ-۴) طرح (پیرنگ)

اصطلاح «طرح» یا «پیرنگ» عبارت است از «زنجیره‌ای از رویدادها در یک داستان و اصلی که آن‌ها را درهم می‌بافد» (میور، ۱۳۷۳: ۷) یا «نقل حوادث با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول» (انخوت، ۱۳۷۱: ۳۷). پیرنگ آواز کشتگان با توجه به گریزها و پس‌نگری‌های محمود به گذشته سست به نظر می‌آید. به عبارت دیگر

پرداخت روایت در روایت داستان، پیرنگ آن را سست و ملال آور نشان می‌دهد طرح کلی داستان بر سه محور اصلی می‌چرخد؛ «فصل اول، قهرمان زشت، حدیث نفس محمود است، او که تازه از زندان آزاد شده، به کسانی که نسبت به آزادی او مشکوک‌اند پاسخ می‌دهد؛ با نمودن زشتی چهرهٔ مفتریان می‌کوشد خود را از هیأت یک قهرمان زشت درآورد... ماجراهای بخش دوم رمان، حدیث پری‌داران، در دانشگاه می‌گذرد... رمان با شرح زندگی خانوادگی محمود و نقش همسرش سهیلا در مبارزات او پیش می‌رود... در بخش سوم، حدیث آینه چشمان، محمود به هنگام اسارت خاطراتی را به یاد می‌آورد که همگی حول مضمون اسارت می‌گردند» (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۵-۱۱۶). حضور نویسنده در ورای اعمال شخصیت‌های داستانی رمان آواز کشتگان محسوس است. هم‌چنین این رمان از کیفیتی تو در تو بهره‌مند است؛ اما نظم، منطقی و روابط علت و معلولی آن، ساختگی به نظر می‌آید. خواننده با نتایج قطعی حاصل از حوادث و جریان‌ها روبه‌رو می‌شود و سرنوشت شخصیت‌ها را در خلال روایت‌های تو در تو در می‌یابد. بدین ترتیب می‌توان پیرنگ رمان آواز کشتگان را از نوع پیرنگ‌های بسته به شمار آورد. در پیرنگ بسته «نظم ساختگی حوادث بر نظم طبیعی می‌چربد... گره‌گشایی و نتیجه‌گیری قطعی و محتومی دارند و از ضابطهٔ علت و معلولی محکمی تابعیت می‌کنند و در خصوصیت تکنیکی آن‌ها افراط می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

پ-۵) جدال (کشمکش)

جدال از عناصر مهم داستان است که جذابیت داستان را برای خواننده بیشتر می‌کند. «جدال همان کشمکشی است که بین دو نیرو یا دو شخصیت صورت می‌گیرد و به این ترتیب بنیاد داستان را پی‌ریزی می‌کند و آن را به نقطهٔ اوج و سپس به بحران بعد هم به گره‌گشایی سوق می‌دهد. داستان بدون جدال، متنی ساده و طرحی بیش نخواهد بود.» (میرصادقی، ۱۳۶۵: ۲۳۱) باید متذکر شد که جدال در داستان بر چند گونه است: جدال دو

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۲۲۵-۱۹۵ □ ۲۱۱

انسان با یکدیگر، جدال انسان با طبیعت یا جدال انسان با خدا و یا جدال انسان با سرنوشت. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۷۷)

عنصر جدال یا کشمکش، بر فضای کلی رمان آواز کشتگان مستولی است. در این رمان هر سه نوع کشمکش قابل مشاهده است:

پ-۵-۱) کشمکش با خود

نمونه بارز این نوع کشمکش، مربوط به آن بخش از داستان است که اکبر صداقت به خانه محمود آمده بود و محمود او را به همسرش سپرده بود که از منزل خارجش کند و به منزل دکتر خرسندی برساند. اما پس از مدتی از این کار خود پشیمان می‌شود و دچار کشمکش‌های درونی می‌شود.

«از صبح تا حالا، ناخودآگاهانه، هرکاری را که باید خود او می‌کرد به دیگران محوّل کرده بود... نقش خود را خوب بازی نکرده بود! این درست بود که او نباید با اکبر صداقت دیده می‌شد... مسئله این نبود که باید احساس گناه می‌کرد یا نمی‌کرد. او نباید جان آدم دیگری را به خاطر خودخواهی خود به خطر می‌انداخت...» (براهنی، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

پ-۵-۲) کشمکش با دیگران

برای این نوع کشمکش می‌توان صحنه کشته شدن اکبر صداقت، معلّق ماندن جسد او بر روی میله‌های اطراف دانشگاه و تلاش و کشمکش مردم و مأموران ساواک برای تصاحب جسد را یاد کرد:

«پس از چند دقیقه، ده پانزده نفر کماندو به سرعت آمدند. مرد قد بلند دستور داد. این گروه به طرف جسد رفتند، سه نفر از آن‌ها بالا پریدند، و بعد کشمکش عجیبی برای تصاحب جسد از دو سو در گرفت...» (همان: ۲۳۷).

پ-۵-۳) کشمکش با محیط

محمود، در صحنه‌های مختلف هنگامی که مدام احساس می‌کند که مأموران ساواک باز هم او را دستگیر و زندانی می‌کنند؛ دچار نوعی کشمکش با محیط اطراف خود می‌شود. نمونه زیر بیان‌گر این نوع کشمکش است:

«مسئله این بود که هنوز چیزی از طرف هیچ‌کدام از مقامات به او گفته نشده بود... آیا قربانگاه در جایی خارج از مغز و خیال و توهم او، وجود داشت؟ و یا این که قربانگاه عملاً آستر درونی تفکرات و اوهام و خیالات او بود...» (همان: ۱۹۸).

پ-۶) حادثه

حادثه یعنی رشته وقایعی که نویسنده با تفکر و تخیل خود، آن‌ها را به طور منظم به هم گره می‌زند و طرح داستان را به وجود می‌آورد. حوادث به دو نوع اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند: حوادث اصلی حوادثی هستند که وجودشان برای طرح داستان ضروری است. در مقابل حوادث فرعی، حوادثی کمکی هستند و نویسنده به یاری آن‌ها طرح داستان را گسترش می‌دهد. (میرصادقی، ۱۳۶۵: ۱۵۳) به طور کلی حوادث ریشه در جدال‌ها دارند به بیان دیگر «جدال منجر به حادثه می‌شود. برای این که بتوان به چرایی و انگیزه حوادث جواب داد باید به جدال‌ها برگشت.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۷۷) در رمان آواز کشتگان، چهار حادثه محوری، داستان را پیش می‌برند. این چهار حادثه، یکی پس از دیگری رخ می‌دهند و از دل این رخدادها، حوادث کوچک و بزرگ دیگری به وقوع می‌پیوندند. قهرمان داستان در خلال این حوادث، جستارهایی به گذشته و زندگی خانوادگی خود می‌زند و حوادث آن دوران را بازگو می‌کند.

حادثه اول مربوط به گم شدن عکس شاه و همسرش، سه چهار روز قبل از برگزاری کنگره است. حادثه دوم نیز مربوط به عمل غیر اخلاقی دکتر عرب در مخزن کتابخانه

است که سرانجام در پایان داستان معلوم می‌شود که توطئه‌ای برای محمود، بوده است. حادثه سوم مربوط به صدای مداوم و ناهماهنگ آفتابه‌های مسی و زنجیرهای کلفتی است که یکی از دانشجویان مبتلا به جنون، دور قوزک پایش انداخته بود و در حالی که کارد بزرگی در دست داشت؛ برای کشتن دکتر عرب آمده بود. حادثه آخر که نقشی سرنوشت ساز در پیش‌روی کل داستان و گرفتاری محمود در زندان رژیم و در نهایت شهید شدن او دارد؛ مربوط به تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران؛ به هم زدن کنگره؛ سخنرانی افشاگرانه اکبر صداقت، حمله مأموران ساواک به دانشجویان و به گلوله بستن اکبر صداقت است. این حوادث و سایر رویدادها سرانجام، قهرمان داستان را گرفتار زندان و شکنجه و مرگ می‌کنند.

پ-۷) زمینه یا صحنه

«زمان و مکانی را که عمل داستانی در آن صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند» (میرصادقی، ۱۳۱۵: ۴۴۹). به عبارت دیگر صحنه، «زمینه‌ای است که اشخاص داستان نقش خود را بر آن بازی می‌کنند.» (بیونسی، ۱۳۸۱: ۴۲۹) زمان و مکان داستان مربوط به فصل پاییز و روزهای قبل از برگزاری کنگره ادب و هنر در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و افتتاح آن توسط فرح تا دستگیری و مرگ محمود است. محمود در این مدت پس از دوبار دستگیری، سرانجام با ضربه‌های کابل به پایان زندگی خود نزدیک می‌شود؛ اما این‌ها همگی زمان حال داستان را تشکیل می‌دهند. نویسنده، با بهره‌گیری از شیوه بازگشت به گذشته محمود، اوضاع و شرایط حاکم بر زندگی قهرمان داستان را نمایان تر می‌کند و این مسائل را در ذهن محمود جای می‌دهد و با کمک خاطره‌های زندگی محمود، زمینه داستان را محدود به زمان حال نمی‌کند. بنابراین حرکت زمان و شرح رویدادها، در رمان آواز کشتگان از حال به گذشته است.

پ-۸) لحن

در ادبیات داستانی «لحن طرز برخورد نویسنده یا شاعر است نسبت به موضوع داستان به طوری که خواننده بتواند آن را متوجه شود.» (داد، ۱۳۱۵: ۴۱۳) لحن می‌تواند خنده‌دار، گریه‌دار، طنزگونه، تند، بی‌تفاوت و... باشد. دیدگاه نویسنده نسبت به داستان از لحن مشخص می‌شود و به نوعی حکم سبک را دارد. «نقش سبک در یک اثر داستانی مهم و پیچیده است ولی هیچ‌یک از تأثیراتی که می‌توان به سبک داد، مهم‌تر از سهم آن در ایجاد لحن نیست. در این رابطه می‌توان سبک را وسیله و لحن را هدف تلقی نمود» (کنی، ۱۳۱۰: ۹۸).

لحن شخصیت اصلی رمان آواز کشتگان در برخورد با استادان دانشگاهی لحنی طنزآمیز است. لحن محمود با پدر، همسر، سلیمان، ایشیق و خرسندی، لحنی دوستانه و صمیمانه است. او با اکبر صداقت با لحنی دلسوزانه سخن می‌گوید؛ هم‌چنین در برخورد با مأموران ساواک، رئیس بازجوها، زندی‌پور و استادان دانشگاه، لحنی محافظه‌کارانه و خشم‌آلود دارد؛ امّا هیچ‌گاه خشم و ناراحتی خود را نمایان نمی‌سازد و ترجیح می‌دهد ناراحتی خود را در منزل و در کنار همسرش با اشک‌های جان‌گداز بروز بدهد. محمود هنگامی که اسیر احساسات می‌شود، رمان لحنی محزون به خود می‌گیرد.

لحن دکتر معلّم نه تنها در برخورد با محمود بلکه در برخورد با تمامی شخصیت‌های داستانی لحنی مؤدّبانه است. به طور کلی هنگامی که بحث از زندان و شکنجه و کشت و کشتار و بازجویی‌ها است، رمان لحنی خشک، رسمی و جدّی به خود می‌گیرد؛ امّا هنگامی که بحث از چهره‌پردازی‌ها و بازگویی اعمال برخی از استادان دانشگاه است، لحن رمان طنزگونه و طعنه‌آمیز می‌شود.

پ-۹) فضا (جو)

«فضای ذهنی داستان را که توسط نویسنده ایجاد می‌شود جوّ می‌گویند.» (میرصادقی، ۱۳۱۵: ۵۲۹) به طور کلی فضای حاکم بر داستان می‌تواند شاد یا غم‌انگیز باشد. فضای کلی حاکم بر رمان آواز کشتگان، فضایی غم‌انگیز است؛ اگر چه نویسنده در برخی از قسمت‌های داستان، صحنه‌ها را طنزگونه بازگویی کند؛ اما این طنز فضای رمان را شاد نمی‌کند و آن را می‌توان طنزی تلخ به حساب آورد. جوّ غم‌انگیز از آغاز رمان تا پایان آن هم در رویدادهای دانشگاه تهران و هم در زندگی شخصیت اصلی داستان، احساس می‌شود. شاید واقع‌بینی نویسنده در پرداخت شخصیت‌های مختلف رمان، توصیف صحنه‌های ناب و هم‌چنین شرح اوضاع و شرایط حاکم بر زندان‌ها، دلیل اصلی ناشاد و بحرانی بودن فضای کلی رمان باشد.

پ-۱۰) بن‌مایه

بن‌مایه یا موتیف عبارت از یک فکر، موضوع یا درونمایه‌ای است که در قالب کلمات و عبارات، تصاویر خیال، اشخاص، اعمال، مکان‌ها و... در یک اثر هنری نمود پیدا می‌کند و تکرار این عنصر یا الگوی معین، تأثیر مسلط الگوی هنری را بوجود می‌آورد. (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۱۶) گرایش آزادی‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه دکتر محمود شریفی و تلاش برای از میان برداشتن، خفقان، زندان و شکنجه، بن‌مایه فکری رمان آواز کشتگان محسوب می‌شود.

ت) تحلیل محتوایی رمان

موضوع اصلی رمان آواز کشتگان، وقایع دانشگاه تهران در دوران پیش از انقلاب، مخالفت یا همسویی استادان با دانشجویان معترض و عملکرد خشونت‌آمیز مأموران

۲۱۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

ساواک در دانشگاه است. شیوه مبارزاتی شریفی بیشتر یادآور تمایل ارضاء نشده بعضی از استادان دانشگاه آن روزها است (دستغیب، ۱۳۸۶: ۲۴۰). «درون‌مایهٔ رمان، نشان دادن بی‌تباری و بی‌ریشگی شخصیت‌ها و اوضاع و احوال دستگاه حاکم بر آن‌هاست. اگر در رمان «ثریا در اغما» اثر اسماعیل فصیح، بی‌تباری و بی‌اصلی مهاجران سرشناس ایرانی به مسخره و ریشخند گرفته می‌شود، در رمان «آواز کشتگان، بی‌ریشگی و بی‌تباری بعضی از استادان دانشگاه مورد طعن و نکوهش قرار می‌گیرد، اما خصوصیتی که رمان کلیددار براهنی را از فصیح متمایز می‌کند، شخصیت اصلی داستان است که برخلاف شخصیت اصلی رمان «ثریا در اغما» خود را از جمله دوستان و بی‌تباران به حساب نمی‌آورد، بلکه نسبت به بی‌تباری و بی‌اصلی معترض و پرخاشگر است» (میرصادقی، ۱۳۸۱: ۲۳۵). این شخصیت حامی دانشجویان مبارز است و به دلیل نوشتن مقاله‌های افشاگرانهٔ خود، مورد کینه و دشمنی استادان قرار می‌گیرد.

رمان آواز کشتگان به پاره‌ای از حوادث تاریخی پیش از انقلاب، نظیر وقایع شهریور ۱۳۲۰، بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ و پانزده خرداد ۱۳۴۲، اشاره‌هایی مختصر دارد؛ البته اشاره به این حوادث در رمان خالی از اشکال نیست؛ زیرا می‌توان گفت، براهنی، جسته و گریخته به این حوادث تاریخی پرداخته است و حق مطلب را آن‌گونه که شایستهٔ آن‌ها می‌باشد؛ ادا نکرده و تنها به رهبری گروهی از مردم توسط مشهدی قربان در برخی از وقایع اکتفا کرده است. این در حالی است که این قیام‌ها و به خصوص قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، از جریان‌های اصلی و زمینه‌ساز وقوع انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند؛ اما در رمان آواز کشتگان به عنوان یکی از مشهورترین رمان‌های انقلاب، وقایع ناب و سرنوشت‌ساز انقلابی به خوبی انعکاس نیافته است.

یکی از ویژگی‌های اساسی رمان آواز کشتگان، روایت زندان، مبارزه و طرح مقاومت‌های فرهنگی و سیاسی روشنفکران با خشونت‌های نظامی و امنیتی است. در واقع دانشگاه تهران، کانون این مقاومت‌ها و تحوّل‌های فرهنگی و سیاسی در رمان

نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی... • دکتر برات محمدی، کبری پالیزبان • صص ۱۹۵-۲۲۵ □ ۲۱۷

است (شیری، ۱۳۸۴: ۵۶). همسویی مضامین، شعر در نثر، خیال‌پردازی و طنزپردازی مهم‌ترین نکته‌ها در تحلیل محتوا و درون‌مایهٔ رمان آواز کشتگان می‌باشد:

ت-۱) همسویی مضامین

همسویی برخی از مضامین مطرح در رمان آواز کشتگان، به ارزش هنری این اثر بسیار افزوده است. قصه‌ای که محمود در ارتباط با حملهٔ گرگ‌ها به شهر تبریز می‌نویسد، در واقع شاهد مثالی محسوب می‌شود که نویسنده با ذکر آن، سعی در بارزتر نشان دادن زندگی و وضعیت بحرانی شخصیت اصلی رمان دارد. علاوه بر این، عشق نافرجام سلیمان و ماهنی، با ناکام ماندن محمود در رسیدن به آزادی، همسویی مضامین رمان را پررنگ‌تر نشان می‌دهد. شباهت مرگ‌های پروازگونهٔ اکبر صداقت بر روی میله‌های اطراف دانشگاه، ایشیق از پنجرهٔ بیمارستان و ماهنی از بالای ارگ، هماهنگی و همسویی بسیار جالبی را در داستان ایجاد کرده است.

سردرگمی رئیس بازجوها در تشخیص هویت جمال و جلال راهنمایی و هم‌چنین تشخیص خط محمود با خطی که به دست محافل بین‌المللی رسیده بود، نیز از جذاب‌ترین شباهت‌های مضمونی در این رمان می‌باشند.

ت-۲) شعر در نثر

شعرهایی که در بعضی از قسمت‌های رمان آورده شده است، به نوعی بیان‌گر زمینه‌های فکری شخصیت‌های مختلف داستان هستند. شعر آذری زیر از "ایشیق" بیان دعوت به اتحاد و هم‌یاری برای رسیدن به آزادی است:

«او شاقلار الیزتی منیم قلبیمین

ایستد یلیکی ایله قیز دیرین گئدین

یوخسا سویوق ال لرنه ائده بیلر؟» (برهنی، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

این شعر در رمان این چنین ترجمه شده‌اند: «بچه‌ها، دست‌هایتان را با گرمای قلب من گرم بکنید و راه بیفتید و گرنه دست‌های سرد چه می‌توانند بکنند؟» (همان) بیتی از سعدی نیز که تیمسار زندی‌پور با حالت تهدید کننده در مقابل محمود تکرار می‌کند، حاکی از سرنوشت شوم و اوضاع وخیم محمود شریفی است:

«دام هر بار ماهی آوردی

ماهی این بار رفت و دام ببرد» (همان: ۳۴۶).

ت-۳) خیال‌پردازی

یکی از شگردهای خاصّ براهنی جهت القای درون‌مایه این رمان، خیال‌پردازی‌های استادانه‌ای است که در ذهن قهرمان داستان می‌گنجانند. محمود شریفی هنگامی که در زیر شکنجه‌های سنگین رژیم قرار می‌گیرد؛ با خیال‌پردازی‌های دور و دراز سعی در فراموش کردن دردهای جان فرسا دارد. براهنی با بهره‌گیری از این شیوه این اندیشه را القا می‌کند که تحمّل شکنجه‌ها برای شخص مبارزی که جان و زندگی خود را فدای آزادی می‌کند، امری غیرممکن نیست.

ت-۴) طنزپردازی

اگر چه براهنی کوشیده است که فضای حزن‌انگیز رمان را با طنزهای مختلف، اندکی لطیف کند، اما در ورای این طنزها، بیشتر تلخی‌ها و طعنه‌ها خود را نشان می‌دهند. در واقع براهنی از چاشنی طنز برای تلطیف فضای داستان استفاده کرده است. تصویر استاد علی‌اکبرخان روی سن تالار نمونه بارز این نوع طنزها است:

«... استاد طوری ایستاده بود که انگار ایستادنش را میزان کرده است تا فقط، در صورت افتادن، به پشت بیفتد و نه به روبرو. استاد شروع کرد به فوت کردن: پف پف پف پف، مثل موتور دیزل قطار پف پف می‌کرد و حاضران حالا داشتند این ستون قوی

فرهنگ کشور را که به دو پادشاه خدمت کرده بود و دهها دکتر ادبیات فارسی تربیت کرده بود، تماشا می‌کردند و کیف می‌کردند... بین دماغ پرگوشت درشت ساکن و لب‌های پف پف کن متحرک، یک رابطه شوم، قی آور و ناموزون برقرار شده بود...» (همان: ۱۳۹).

ث) جامعه آوازگشتگان

رمان آوازگشتگان بیان‌گر پوسیدگی بحران زده دانشگاه تهران و تملق و از خود بیگانگی حاکم بر اعمال و رفتار برخی استادان دانشگاه است. وارد عمل شدن مأموران ساواک در هر حادثه‌ای که در دانشگاه رخ می‌دهد، نمایان‌گر خفقان حاکم بر دانشگاه است برخی از استادان دانشگاه که طبق گفته محمود و خرسندی، بی‌سواد و چاپلوس هستند، درد توده‌های مردم و اوضاع بحرانی کشور را حس نمی‌کنند و هر کدام به فکر آسایش و رفاه خود هستند تا آن‌جا که برخی از آن‌ها از برقراری ارتباط با محمود که یک زندانی سیاسی بوده است، دوری می‌جویند. این‌ها به جای ترویج علم و فرهنگ در دانشگاه، فسادها و تباهی‌ها را به بار می‌آورند و به اوضاع دانشجویمان مبارز و اعتراض‌های آن‌ها توجهی نمی‌کند.

رویکرد نویسنده به روایت سوم شخص، ریشه در پرداختن به عمق روابط انسانی و عاطفی، ترسیم هدف‌مندی شخصیت‌های اصلی داستان و توجه خاص او به آمیختگی رمان با اوضاع حاکم بر جامعه آن دوران دارد (دست‌رنجی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). نویسنده رمان آوازگشتگان در نقش یک راوی ناظر، واقعیت‌های جاری در جامعه را با دیدی وسیع بازگو کرده است؛ «حضور نویسنده در پس‌اعمال قهرمان داستان محسوس است، نویسنده از او چون محملی برای مطرح کردن مسائل مورد نظر خویش (و از جمله قوم‌گرایی افراطی)، بهره می‌جوید» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ج ۳: ۸۷). از این رو رمان فاقد طرح بی‌طرفانه است.

شاخص‌ترین مسائلی که خود پاره‌ای از هویت موضوعی رمان آواز کشتگان به حساب می‌آیند عبارتند از: زندان، شکنجه، سانسور و... که این مسائل ارتباط مستقیمی با طرح واقعیت‌های ملموس و عینی دوران قبل از انقلاب و بعد از آن دارند. نمادپردازی، تصویر غرب و اوضاع روشنفکران، سه نکته اساسی در تحلیل جامعه رمان آواز کشتگان به حساب می‌آیند:

ث-۱) نمادپردازی

براهنی با بهره‌گیری از جنبه‌های نمادین انسانی و حیوانی، درون مایه اصلی رمان را به اوج رسانده است. در این رمان شخصیت‌های اصلی و برخی از شخصیت‌های فرعی دارای خصوصیت‌های قهرمانی هستند و با وجود این که نویسنده می‌کوشد از اسطوره، تمثیل و نماد برای عمق بخشیدن به شخصیت‌پردازی‌هایش استفاده کند، شخصیت‌ها آرمانی هستند و بیشتر خصلت‌های قهرمانان شریر قصه‌ها را دارند (میرصادقی، ۱۳۸۱: ۲۳۷). پرواز ماهنی، ایشیق و اکبر صداقت نیز از جنبه‌های نمادین اثر به حساب می‌آیند؛ پرواز این شخصیت‌های داستانی تنها به سوی یک هدف و یک آرمان اساسی بوده است. گرایش آزادی خواهانه و پرواز ملکوتی این شخصیت‌ها، نمادی از پاکبازی و سادگی آن‌ها است. گریه‌ها و سوز و گدازهای محمود شریفی نمادی از خلوص نیت و بی‌آلایشی این قهرمان داستانی است. قرارداد چادر خون‌آلود در کنار سجاده توسط مادر محمود، نمادی از قداست و انکسار قلبی یک مادر در غم فقدان فرزندی است که خود و پرنده‌هایش نمادی از پاکی و آزادگی هستند. هم‌چنین به کار بردن نمادهای حیوانی نظیر موش و گرگ از ویژگی‌های بارز رمان است. گرگ را با تمام درنده‌خویی و هولناکی می‌توان نمادی از پلیدی‌ها، پلشتی‌ها و ناجوانمردی‌های رژیم و مأموران ساواکی دانست. موش که در زندان با حالتی التماس گونه در تلاش برای وارد شدن به سلول محمود است نیز نمادین است و این تلاش‌ها، گریه‌ها و التماس‌ها نمادی از تلاش

و جانفشانی برای رسیدن به آزادی است.

ث-۲) تصویر غرب

رمان آواز کشتگان از جمله رمان‌هایی است که نویسنده در آن به تأثیر مستقیم دولت آمریکا بر ارتش و پلیس مخفی ایران پرداخته است. در حقیقت رمان در کنار توصیف زندگی روشنفکران ایرانی و طریقهٔ مقابلهٔ آن‌ها با رژیم شاهنشاهی، عمق دخالت قدرت‌های غربی و به خصوص آمریکا، در امور سیاسی و اجتماعی ایران را به تصویر می‌کشد. در این رمان رابطهٔ عمیق و مستقیم مأموران ساواک با مأموران آمریکایی که متخصص شناسایی دست خط‌ها هستند، بیان‌گر دخالت غربی‌ها در امور کشور است. در نقطهٔ مقابل مخالفان سیاسی و افراد انقلابی مأموران آمریکایی قرار دارند و در کشف جرم‌های افراد آزادی خواه، به ساواکی‌ها کمک می‌کنند (قانون پرور، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۶).

ث-۳) اوضاع روشنفکران

به تصویر کشیدن اوضاع روشنفکران دانشگاهی و بازتاب بی‌ریشگی و بی‌بندوباری قشر تحصیل‌کردهٔ جامعهٔ آن دوران، ستون فقرات رمان آواز شکستگان را تشکیل می‌دهد. نویسندهٔ این رمان علاوه بر توصیف خشونت‌ها و وحشی‌گری‌های دستگاه حاکم، اوضاع و روحیات سه قشر روشنفکر جامعه را به تصویر کشیده است:

ث-۳-۱) استادان

رمان آواز کشتگان بیشتر حول توصیف اوضاع استادان دانشگاه تهران می‌چرخد. از استادانی که دیدی مثبت و واقع‌گرایانه به انقلاب و تحوّل‌های سیاسی کشور دارند می‌توان محمود شریفی و حسن خرسندی را نام برد. در مقابل، سایر استادان دانشگاه که

۲۲۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

از تحوّل‌های سیاسی کشور روی‌گردان هستند و دیدی منفی نسبت به انقلاب دارند؛ هنگامی که قدرت رویارویی با اعتراض‌های دانشجویان را ندارند، محیط دانشگاه را به دست مأموران ساواکی می‌سپارند و با فرار کردن از صحنه‌های مبارزه و درگیری، دانشجویان مبارز را در زیر رگبار مسلسل‌ها رها می‌کنند.

ث-۳-۲) دانشجویان

دانشجویان در این رمان، دیدی مثبت نسبت به انقلاب دارند، از این رو با وقوع هر حادثه در دانشگاه وارد عمل می‌شوند و نفرت و انزجار خود را با سر دادن شعارهای ضد حکومتی نشان می‌دهند. "اکبر صداقت"، با وجود نامساعد بودن اوضاع جسمانی، سر دسته دانشجویان مخالف است و با سخنرانی افشاگرانه خود، زور، خفقان و سانسور حاکم بر محیط علمی دانشگاه را محکوم می‌کند. این شخصیت به تعبیر زنی که با دیدن جسد او فریاد می‌زند که «عین علی اکبر حسین است»، به شهادت می‌رسد. "جمال رهنمایی" نیز یکی از دانشجویان مبارز است که بعد از سخنرانی اکبر صداقت در کنگره جان می‌بازد.

ث-۳-۳) زندانیان

زندانیان سیاسی نیز گروهی دیگر از روشنفکران این رمان به حساب می‌آیند "ایشیق" یکی از زندانیان سیاسی است که حتی در بیمارستان با فجیع‌ترین شیوه شکنجه می‌شود. هم‌چنین "حسن پوررحمانی" که از اهالی نهاوند و از زندانیان سیاسی رژیم است در مقابل چشمان محمود، ساعت‌ها شکنجه می‌شود.

نتیجه

رمان آواز کشتگان، رمانی واقع‌گرا با خصلتی گزارشی است. اگر چه توصیف‌های تکراری و کلیشه‌ای براهنی از صحنه‌های مختلف، در بسیاری از موارد ساختار کلامی رمان را به بی‌راهه کشانده است و باعث ابتذال کلامی، غیر معقول شدن بسیاری از صحنه‌ها و گاهی غیر اخلاقی شدن رفتار شخصیت‌ها شده است؛ اما این ابتذال‌های کلامی به مرور در توصیف عملکرد قهرمانان داستان و هم‌چنین صحنه‌های پر شور انقلابی رنگ می‌بازند. بهره‌گیری از شیوه جریان سیال ذهن در به تصویر کشیدن مسائل و مشکلات محمود، و هم‌چنین ارائه آن به صورت آمیزه‌ای از عنصر خیال و حقیقت نمایی، پیش‌روی داستان به موازات قهرمان داستان، بدون روایت‌گری مستقیم از زبان او، و تو در تو بودن روایت‌های داستانی، از شگردهای خاص براهنی در خلق این اثر است.

گرایش آزادی‌خواهانه "محمود شریفی" و اعتراض و پرخاش وی به بی‌اصالتی استادان خود شیفته، در سراسر رمان امری مشهود است. مقام معنوی این شخصیت تا جایی است که میان زندگی شخصی و مبارزه‌های سیاسی خود حدّی نمی‌شناسد. روایت‌هایی که از اوضاع زندانیان سیاسی در رمان موجود است؛ در حقیقت بیانگر مقاومت‌های فرهنگی و سیاسی روشنفکرانی است که با نگاه مثبت خود به انقلاب، داوطلبانه وارد صحنه‌های کشاکش و درگیری با مأموران وابسته به رژیم پهلوی شده‌اند.

بهره‌گیری از جنبه‌های نمادین انسانی و حیوانی، ترسیم عمق دخالت‌های غرب و به‌خصوص آمریکا، در امور سیاسی و فرهنگی ایران در یک صحنه ساده و در عین حال آگاهانه در رمان، و در نهایت توصیف اوضاع و روحيات سه قشر روشنفکر جامعه (استادان، دانشجویان، و زندانیان) از مهم‌ترین الگوهای هستند که هر کدام به نوعی در

۲۲۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی-پژوهشی)، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۲

القای مفاهیم عمیق رمان نقش خود را ایفا می‌کنند. براهنی در خلق رمان با توجه به شناختی که از داستان و عناصر داستانی دارد، در پرداخت شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی موفق عمل کرده و صحنه را همسو و مطابق با ویژگی‌های شخصیت‌های داستان انتخاب نموده است. در برخورد با شخصیت‌ها از لحن‌ها متفاوت سود جست‌ه و برای تلطیف فضا از چاشنی طنز استفاده نموده است.